

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برهان عظیمی
۰۴ فبروری ۲۰۲۵

چرا اولین سفر احمد الشرع به عربستان سعودی است؟ نقش عربستان در سوریه پس از چيست؟

طبق اخبار رسانه‌ها احمد الشرع به‌عنوان رئیس‌جمهور دوره انتقالی سوریه، در روز یکشنبه ۱۴ بهمن-دلو- ۱۴۰۳ به عربستان سفر می‌کند و قرار است با محمد بن سلمان، ولیعهد این کشور دیدار و مذاکره کند. (۱)

گروه تحت رهبری احمد الشرع رهبر هیأت تحریر شام به‌عنوان اصلی‌ترین نیروی مخالف اسد با گراد و چراغ سبز و حمایت ترکیه توانست در سوریه پیشروی کند و با سرنگون کردن حکومت اسد قدرت را به دست بگیرد و طبق گزارش‌های رسانه‌های موازی با قدرت‌های منطقه (حاکمان دست‌نشانده کشورهای شیخ‌نشین منطقه و عربستان) حتی قرار بود اولین سفر خارجی‌اش به ترکیه باشد... اما او هم‌اکنون به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت دوره انتقالی سوریه بعد از سفر وزیر امور خارجه عربستان (فیصل بن فرحان آل سعود) پی برد که نمی‌تواند به ترکیه برای ساختن اقتصاد سوریه اتکاء کند... و خیلی زود با مشکل برداشتن مشروط تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا که به سوریه از زمان بشار اسد تحمیل شده بود روبه رو شد. شرط‌هایی برای الشرع و دولت موقتش گذاشته شد. این شروط فقط این نبود که امپریالیسم روسیه و جمهوری اسلامی نباید در آینده سوریه دخالتی داشته باشند، زدوبندهای پشت پرده فراتر از حذف روسیه و جمهوری اسلامی بود! اصلی‌ترین نکته‌ای که الشرع پی برد این بود که باید با استفاده از قطب نمایی که به او داده شد یعنی تفهیم یک سیاست ستراتیژیک برای ساختن آینده سوریه طبق **قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل**، قبله‌اش را انتخاب کند! الشرع پی برد (تفهیم شد!) که باید قبله را عوض کند و از ترکیه تا حد زیادی (و نه کم!) فاصله بگیرد و به عربستان به‌عنوان متحد اصلی که ثروت عظیمی دارد و خلاف ترکیه که در تورم و بحران اقتصادی دست‌وپا می‌زند، اتکاء کند.

الشرع و گروه حلقه‌زده به دورش (نه‌تنها هیأت تحریر شام بلکه همچنین ارتش آزاد سوریه) خیلی زود در مذاکرات پشت درب‌های بسته با وزیران خارجه المان و فرانسه و امریکا و همچنین عربستان دریافتند که اولاً نباید به ترکیه اتکاء کند، چون خود ترکیه به علت تورم شدید و دست‌وپا زدن در یک بحران اقتصادی ساختاری توان مالی و آهی در بساط برای بازسازی سوریه را ندارد و دوم وزنه‌ای در اتحادیه اروپا نیست و مناسبات تنگاتنگی هم به امریکا ندارد که به‌عنوان یک میانجی بتواند سوریه را از مخصصه تحریم‌ها نجات دهد!

پس از رفت‌وآمدهای و مذاکرات رودرو و پشت درهای بسته با وزیران امور خارجه و نمایندگان "بلندپایه" قدرت‌های بزرگ جهان امپریالیسمی و دولت‌های عرب منطقه با الشرع در اولین گام کلید سیاست ستراتیژیک قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت زده شد و احمد الشرع به‌عنوان رئیس‌جمهور دوره انتقالی سوریه "انتخاب" شد. قدم‌های بعدی آن قطعنامه باید در شرایط و مسیر کنترل‌شده توسط همان بازیگران اصلی که راهکار ارائه داده و می‌دهند از طرف الشرع طی شود. و به قول "دستش بگیرت و پابه‌پا برد" الشرع باید در مسیری که بازیگران اساسی نظام جهانی سرمایه‌داری امپریالیسم در منطقه برایش تعیین‌شده است قدم بردارد! از خط قرمز غیر مقطع خط‌کشی شده آن رد نشود و یکر است ماشین بیجان و بشدت ضعیف شده نظام سوریه را در جاده‌ای که برایش تعیین‌شده براند!

احمد الشرع به‌عنوان رئیس‌جمهور دوره انتقالی سوریه "انتخاب" (بخوان انتساب) شده است پی برد که مهم‌ترین، اصلی‌ترین، ثروتمندترین و اصلی‌ترین بازیگر در میان کشورهای دست‌نشانده عرب منطقه حکومت عربستان است که به‌عنوان یک دولت دست‌نشانده سیاست‌های امپریالیسم امریکا (و نه اتحادیه اروپا) را به پیش می‌برد! او پی برد که امپریالیسم امریکا پدرخوانده نظام سرمایه داری-امپریالیسم جهانی غرب است، و تحریم‌ها را امریکا در زمان بشار اسد به سوریه تحمیل کرد، و در شرایط کنونی پیش روی سوریه هیچ دست، هیچ قدرتی اقتصادی و نظامی و هیچ اراده‌ای بالاتر از دولت امپریالیسم امریکا برای برداشتن تحریم‌ها نیست...

الشرع پی برد که کلیه دشواری‌ها و مشکلاتی که سوریه برای بازسازی زیربنای اقتصادی و زیرساخت‌هایش با آن روبه‌رو است را عربستان امریکائی به‌عنوان یک بازیگر اصلی در میان کشورهای عربی منطقه می‌تواند حل کند! به قول معروف الشرع زود آموخت که کلیه راه‌های بازسازی اقتصادی و زیرساختی پس‌اسد از عربستان امریکائی می‌گذرد! امریکای ترمپ/ماگا فاشیست در نظر دارد باج سیاسی و مالی بگیرد و نمی‌خواهد هزینه‌ای برای بازسازی سوریه به عهده بگیرد، خود را عقب کشیده است و دست‌نشانده ثروتمندش عربستان را جلو انداخته است که وام‌هائی به سوریه بدهد و در بازسازی زیربنای اقتصادی آن سرمایه‌گذاری کند و رونای سیاسی سوریه را طبق قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت قالب اندازی کند، و تا زمانی که سوریه الشرع کاملاً رام عربستان امریکائی نشود تحریم‌ها را برنخواهد داشت! امریکا در نظر دارد که: سوریه یک نومستعمره جدید امپریالیسم امریکا بدون حضور علنی‌اش باشد، برای همین عربستان امریکائی را جلو انداخته است و سیاست‌های مشخصی را هم به عربستان ارائه داده است که به احمد الشرع تفهیم کند! طی روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده همه آنچه قرار است سوریه الشرع انجام دهد روشن‌تر خواهد شد.

بنابراین روشن است که اولین سفر احمد الشرع به عربستان یک حرکت ستراتیژیک برای جهت دادن به آینده سوریه است! دولت موقت سوریه به رهبری احمد الشرع فکرشان را ساخته، و تصمیمشان را گرفته‌اند که با کدام قدرت اصلی نظام سرمایه داری-امپریالیسم جهانی غرب تعامل و جهت‌گیری کند و نخستین گام برای این کار تنظیم قطب‌نما به‌طرف عربستان-امریکائی (کعبه آمال آینده سوریه!) و در مسیر چنان جهتی حرکت کردن است. امپریالیسم تجربه خمینی و جمهوری اسلامی را دارد که چگونه آن را به قدرت رساند، ولی در ادامه در عین تعامل‌های مشخص اساساً به یک جریان مشکلساز و ترمزی در مقابل منافع ستراتیژیک امریکا در خاورمیانه تبدیل شد. بخشی از جهادگران بنیادگرای اسلامی (مانند احمد الشرع) پی برده‌اند که نظام بنیادگرای سرمایه‌داری جمهوری اسلامی چگونه حرکتش را به‌عنوان یک چرخ‌دنده از نظام سرمایه‌داری امپریالیسم جهانی برای "تبدیل شدن به یک قدرت منطقه" با محاسبات اشتباه تنظیم کرد و در باتلاق چنان نظام جهانی دست‌وپا می‌زند به‌طوری‌که در شرایط کنونی در جهان در ایزوله‌ترین و در داخل ایران به غیر مشروع‌ترین حکومت مستبد ضد مردمی تبدیل‌شده و به خاطر تحریم‌های امریکا (پدرخوانده نظام جهانی امپریالیسم) نفسش گرفته شده، سگته کرده است و چیزی به عمرش باقی نمانده است. بنابراین تا زمانی که امریکا از

نیت دولت الشرع برای سرسپردگی کامل باخبر نشود تحریم‌ها همچنان باقی خواهند ماند. در عین حال احمد الشرع و دولت ارتجاعی اسلام‌گرایش نمی‌خواهند یک جمهوری اسلامی دیگر باشند و پی برده‌اند که راهی مگر این که بزودی یک دولت دست‌نشانده امپریالیسم امریکا با اتکاء به عربستان امریکائی بشود ندارد.

قبلاً قرار بود همه راه‌های دولت الشرع به قول ضرب‌المثل کهنه ترکیه در زمان امپراتوری عثمانی که "همه راه‌ها به قسطنطنیه ختم می‌شود" (کنستانتینوپل قدیم یا استانبول کنونی-ترکیه) "به ترکیه ختم شود اما الشرع و اطرافیانش بزودی پی بردند و واقعیت تحمیل‌شده بر سوریه را قبول کردند که این راه برای آینده سوریه بسیار محدود است و هزینه‌های فراوانی دارد و بنابراین باید راه و جهت‌گیری دیگری انتخاب کند. برای درک این نکته به بخشی از تحلیل عبدالرحمن راشد تحلیلگر سعودی که با اشاره به وضعیت کنونی سوریه در آذرماه- قوس- (۲۲ آذر ۱۴۰۳)، تحت عنوان "چه کسی بر سوریه حکومت می‌کند" رجوع می‌شود. تا قبل از سفر الشرع به عربستان او بر این باور است که "آینده برای سوری‌ها بسیار مبهم خواهد بود."

به گزارش کرد پرس، عبدالرحمن راشد در روزنامه الشرق الاوسط می‌نویسد: "که پس از پایان جشن‌ها و سرنگونی آخرین مجسمه‌های اسد در میدان‌ها، سوری‌ها با وضعیتی تازه و مبهم رویرو خواهند شد. چه کسی بر آن‌ها حکومت خواهد کرد؟ فردی یا گروه‌هائی، یا این که بیش از یک سوریه وجود خواهد داشت، سه یا چهار تا؟ به دیگر سخن شاید اوضاع به این آسانی و سادگی نباشد که اینک به نظر می‌رسد، چراکه اسد کشوری از هم‌گسیخته و دستخوش رقابت گروه‌های مختلف را برجای گذاشته است. گروهی که حلب را تسخیر و تغییر را رهبری کرد، هیأت تحریر شام به رهبری احمد الشرع بود که از منطقه نفوذ ترکیه آمده بود، و نیروئی که وارد دمشق شد (اتاق عملیات جنوب به رهبری احمد العوده گروه کوچکی از بقایای ارتش آزاد) از استان درعا سر برآوردند. گذرگاه مرزی با عراق نیز توسط نیروهای «قسد» که اکثراً کُرد و در منطقه نفوذ امریکائی بودند، تحت کنترل درآمد" راشد در ادامه می‌نویسد: "قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت، تنها سند بین‌المللی که پنج کشور بزرگ (امریکا، فرانسه، چین، روسیه و بریتانیا به‌عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل) بر آن توافق کردند، تأکید می‌کند دمشق باید توسط یک دولت موقت اداره شده و سپس قانون اساسی تدوین و انتخابات برگزار شود.

با این حال احتمالاً «هیأت تحریر شام» در نهایت حاکم واقعی سوریه خواهد شد، زیرا به‌عنوان نیروی بزرگتری شناخته‌شده است که وظیفه سرنگونی رژیم اسد را در حدود دو هفته انجام داد. "قسد" بر شرق سوریه حکومت خواهد کرد و فرات مانند دیوار برلین، سوری‌ها را به دو بخش تقسیم خواهد کرد، مگر این که توافقی بین طرف‌ها برای نظامی فدالی انجام شود، همان‌طور که پیش‌از این از سوی احمد الشرع وعده داده شد.

حتی اگر توافق حاصل شود، سوریه تنها متعلق به سوری‌ها نیست و این سرنوشت سوریه در طول تاریخ بوده است. همواره قدرت‌های بزرگ منطقه‌ئی و بین‌المللی حرف خود را دارند." (۲)

به یک معنای واقعی عبدالرحمن راشد در روزنامه الشرق الاوسط در واقع دغدغه‌ها و ابهاماتی که در افکار بازیگران اصلی حاکمان عرب و به‌ویژه عربستان بود را قبل از رفتن الشرع به عربستان بیان می‌کند. اما هم‌اکنون ۱۴ بهمن- دلو- ۱۴۰۳ است و دو ماه از آنچه راشد در اواسط آذرماه نوشته است می‌گذرد و برخی از دغدغه‌های او به‌عنوان سخنگوی هیأت حاکمه عربستان رفع شده است. حالا دیگر الشرع به‌عنوان رئیس‌جمهور دوره انتقالی سوریه که طبق تصمیم قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل "انتخاب" شده است وجود دارد، و او تصمیم گرفته است که در چارچوب آن قطعنامه که اساس سیاست ستراتیژیکش تحت اوامر نظام سرمایه‌داری امپریالیسم به رهبری امریکا است حرکت کند.

اما این مسیری در خط مستقیم نیست و نخواهد بود و تضادهای غیرمنتظره از درون دیگ جوشان منطقه در حال حرکت و تغییر خاورمیانه به وجود خواهد آمد که از هم‌اکنون برای بازیگران اصلی آن غیرقابل‌پیش‌بینی خواهد بود!

رفتن الشرع به عربستان نشانه بارز از تغییر جهت به‌سوی اتکاء به عربستان امریکائی برای پیشبرد قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت است که طبق آن سوریه "توسط یک دولت موقت اداره شده و سپس قانون اساسی تدوین و انتخابات برگزار شود."

الشرع به‌عنوان سخنگو و رئیس‌جمهور دوره انتقالی سوریه دریافته است که راهش (راه ارتجاعی و ضد بشر ستم‌کشان برای ساختن سوریه‌ای که الشرع و حامیان و اطرافیانش در نظر دارند) به عربستان امریکائی برای شراکت در غارت و چپاولگری به رهبری امریکا و عربستان و بقیه امپریالیست‌ها و همچنین دولت‌های دیگر عرب منطقه (قطر، امارات متحده عربی و بقیه) ختم می‌شود. در واقع دولت موقت الشرع راه جمهوری اسلامی و طالبان را در زیر سؤال بردن هرگونه منافع امریکا در منطقه را کنار گذاشتند و فعلاً با آن گسست کرده است! اما روشن نیست که تضادهای ناشی از حرکت و تحولات ماه‌ها و سال‌های آینده منطقه و در خود سوریه دولت آینده سوریه را مجبور به پوست‌اندازی کند و لایه‌های جدیدی به قدرت برسند که هم‌اکنون نمی‌توان در مورد آن گمانه‌زنی غیرعلمی نمود! وضعیت سوریه بسیار متغیر و سیال است و بنابراین نباید گمانه زنی کرد و نیاز است همچنان نبض شرایط سوریه را زیر پنجه و چشم داشت و جهش‌های (پرش) ناصحیح با رویکرد غیرعلمی از روی شرایط در حال تغییر و بشدت متضاد سوریه نکرد. واقعیت آنچه در سوریه می‌گذرد را باید دائماً زیر نظر داشت و نیاز است که از صادر کردن احکام ذهنی گرایانه پرهیز کرد. پس بیابید وضعیت سوریه را همانگونه که هست و دائماً در حال حرکت و تغییرات متأثر از شرایط حاکم بر جهان امپریالیستی و همچنین منطقه خاورمیانه و نیز وضعیت داخلی سوریه بررسی نمایم.

با در نظر داشتن نکات مطرح شده بالا به این مارسیم که در مقابل الشرع و متحدان جهادگش ۳ مدل قرار داشت: مدل دولت اسلامی عراق و شام (یا دولت اسلامی عراق و سوریه) داعش که خود قبلاً بخشی از آن بودند ولی راهشان را از آن دولت اسلامی داعش که در بخشی از عراق و سوریه قدرت را به دست گرفت جدا کردند، چون متوجه شدند دولت و شبه‌نظامیان‌شان بسادگی می‌تواند با یورش جنگنده‌ها از هوا و حملات زمینی متحدان امپریالیستی نابود شوند؛ مدل دیگر ادامه راه طالبان بود که به علت این که بخشی از متحدان الشرع موردحمایت امریکا بودند راه طالبان را برای تسخیر قدرت سیاسی کنار گذاشتند چون پی بردند که طالبان در عمل پس از گرفتن قدرت سیاسی در جهان تحت کنترل قطب نظام جهانی منسوخ سرمایه‌داری امپریالیسم غرب به رهبری امریکا ایزوله شده است و تحت تحریم‌های دولت امریکا و امپریالیست‌های اتحادیه اروپا بسختی سخت حکومتی که از دید حکومت شونندگان (شهروندان ستمکش افغانستان) مشروعیت ندارد، قادر به اعمال حاکمیت خویش مگر به ضرب تفنگ و تفسیرهای منسوخ بنیادگرایانه آیت‌های قرآنی نیست؛ و مدل سوم ادامه راه جمهوری اسلامی بود که در عمل دیدند که ادامه این راه برای آنان راه خودکشی زودرس است و مانند جمهوری اسلامی که توانسته است تاکنون دوام بیابد اما در ایزوله‌ترین موقعیت در جهان امپریالیسم غرب و همچنین در ایزوله‌ترین وضعیت داخلی بین اکثریت شهروندان تحت ستم قرار دارد و مشروعیتی ندارد به نفس‌های آخرش افتاده است و بزودی سرنگون می‌شود، حتی یک ماه هم نمی‌توانند در قدرت باقی بمانند! بنابراین این نشان می‌دهد که هیأت تحریر شام تحت رهبری الشرع پوست‌انداخته است و به یک جریان همدست و محتاج به رحم و کمک‌های نظام جهانی سرمایه‌داری امپریالیسم به رهبری دولت امریکا این دشمن شماره یک مردم ستمکش جهان و از جمله سوریه تبدیل شده است و می‌خواهد در این مسیر دهشتاک راهپیمائی و آینده مردم ستمبر سوریه را دستخوش منافع قدرتهای بزرگ جهان و منطقه کند!

این به آن معنی نیست که احمد الشرع ترکیه را بدون "پاداشت" و "امتیاز" بگذارد، احمد الشرع به ترکیه اجازه سرمایه‌گذاری در ساختن بخشی از سوریه را خواهد داد، اما پی برده است و از طرف عربستان-امریکائی در زمان سفر وزیر خارجه موقت سوریه به عربستان پیام امریکا از طرف وزیر امور خارجه عربستان به سوریه الشرع داده شد که باید طبق خواست پدرخوانده حرکت کنی در غیر این صورت هیچ تحریمی برنخواهد شد مگر این که کاملاً رام شوی و به رئیس اصلی سیستم غارت و چپاول و ستمگر این دشمن شماره یک ستم‌دیدگان جهان و همچنین سوریه اتکاء کنی و تحت اوامرش حرکت کنی! درعین حال که تکه‌های استخوانی هم با اتحادیه اروپا داده خواهد شد، اما این امپریالیسم امریکا از طریق دست‌نشانده‌اش عربستان امریکائی است که تلاش تقریباً موفقیت‌آمیزی (نسبت به رقیبان دولت‌های پر قدرت امپریالیست‌های اتحادیه اروپا) کرده است که سوریه را اساساً تحت سیطره خویش بگیرد!

از آنچه در سوریه می‌گذرد چه درس‌هایی باید آموخت؟

یکی از درس‌های مهمی که می‌توان از وضعیت سوریه گرفته شود این است:

هیأت تحریر شام و ارتش ملی سوریه (SNA- که توسط دولت ترکیه سازمان‌دهی و تسلیح نظامی شد) یک نیروی بنیادگرای اسلامی ارتجاعی ضد زن و مردسالار هستند که با اشاره سازمان اطلاعات ترکیه به حلب حمله کردند و تا سرنگونی اسد پیشروی کردند چون ترکیه به آن‌ها گارد داد که حزب‌الله و جمهوری اسلامی و روسیه را تضعیف‌شده و وقت حمله الآن است... که البته امریکا و اسرائیل از مرز هوا و زمینی سوریه دفاع کردند که جمهوری اسلامی و امپریالیسم روسیه برای حفظ فشار اسد حمله‌ای نکند... این جریان‌ات بنیادگرای اسلامی که بر مسند قدرت اصلی سوریه قرار داده‌شده‌اند(!) نماینده یک جریان مثبت رهائی‌بخش نیستند، بلکه جریان‌ات ارتجاعی منسوخ تاریخی هستند و ما در طول تاریخ به قدرت رسیدن این جهادگران اسلامی تحت هر نام و برندی حتی "معتدل‌ترینشان" چیزی مگر سرکوب خونین و تروریستی مردم و پایمال کردن حقوق زنان ندیده‌ایم. این جریان‌ات ارتجاعی جهادگران اسلامی بشدت ضد کمونیسم هستند.

در شرایط کنونی ایران که امکان روی کار آمدن یک طبقه نوین نوکیسه جدید از طرف قدرت‌های امپریالیستی وجود دارد (مثل آنچه در سوریه می‌گذرد ولی نه دقیقاً همان‌طور! زیرا آن‌ها هم از وضعیت پیش رو نظامشان-ضرورتشان- تجزیه تحلیل مشخص خود را می‌کنند و برنامه‌های متنوعی برای تحکیم منافع ستراتیژیک در منطقه خاورمیانه و ایران ارائه می‌دهند)، و شکی نیست که قدرت‌های بزرگ امپریالیسم به رهبری دولت امریکا مترصدند که چرخه باطل و دهشتناک دولت سازی در ایران رقم‌زده و باز ستم و استثمار و دهشت‌زدی را به شکل جدید کلید بزنند. بنابراین این درست است که شرایط خارجی (تحریم‌های قدرت‌های بزرگ امپریالیستی علیه جمهوری اسلامی بعد از خروج امریکا از برجام) و همچنین قتل‌عام رهبران و شبه‌نظامیان نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی و همچنین نیروهای سپاه قدس در سوریه، فلسطین، لبنان و یمن در تضعیف جمهوری اسلامی و زیرساخت‌ها و قدرت نظامی‌اش در منطقه نقش بسزائی داشته است، اما اگر قرار است که به رهائی واقعی برسیم نمی‌توان به نیروهای فاشیست قدرت‌های امپریالیستی چشم بست و منتظر آن‌ها شد؛ ما کمونیست‌های انقلابی به خاطر اعتقاد به شکست طلبی ارتجاع حاکم از تضعیف جمهوری اسلامی شرور جانی توسط امپریالیست‌ها خوشحالیم و آن را فرصتی برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی قلمداد می‌کنیم اما باید خطرات را نیز در نظر گرفت و بدون چشم‌داشت از امپریالیست‌ها با اتکاء به خود و نیروی لایزال توده‌های تحت ستم دست به کار شد و خود را برای کسب قدرت سیاسی در ایران از طریق یک انقلاب کمونیستی واقعی

بر مبنای تئوری سنتز نوین کمونیزم[؟؟] این سنتز کار امریکا را تمام کرده که اکنون برای ایران نسخه می فرستد؟؟- اداره پورتال] و تلفیق آن با شرایط خاص جامعه ایران با تمام پیچیدگی‌هایش آماده کرد. فقط انقلاب می‌تواند به سیستم هیولائی مسلط بر جهان که در آن سرنوشت مردم تحت ستم در جای‌جای جهان را برای تحکیم منافع ستراتیژیک به خاطر غارت و چپاول منابع طبیعی ربوده می‌شود، پایان دهد. بقول رفیق باب آواکیان: «ما دیگر نمی‌توانیم اجازه دهیم این امپریالیست‌ها به تسلط بر جهان و تعیین سرنوشت بشریت ادامه دهند. و این‌یک واقعیت علمی است که بشریت مجبور نیست این‌گونه زندگی کند - راه کاملاً متفاوتی برای سازمان‌دهی جامعه، یک جهان کاملاً بهتر ممکن است.»

تنها با سرنگونی سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می‌توان به ستم و استثمار کارگران ایران، ستم بر زنان، نسل‌کشی اقلیت‌های ملی، نادیده انگاشتن حق تعیین سرنوشت آن‌ها از سوی ستمگران، به سرکوب اقلیت‌های مذهبی و جنسیتی، به سرکوب و تحقیر مهاجران زحمتکش افغان، خاتمه داد و چوبه دار معترضان، زنجیر زندانیان سیاسی و حجاب این نهاد ستم، اسارت و بندگی زنان را در یک انقلاب واقعی برای رهائی همه بشریت تحت ستم و استثمار، بر اساس منافع کوتاه‌مدت ولی مهم‌تر منافع اساسی درازمدت طبقه تحتانی جامعه (پرولتاریا) برچید. سرنگونی انقلابی نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران و ماشین دولتی جمهوری اسلامی هم مطلوب، هم ضروری و هم ممکن است!

انقلاب و نه چیزی کمتر!

برهان عظیمی

۱۴ بهمن - دلو - ۱۴۰۳

پانویس:

۱- به خبر "احمد الشرع در اولین سفر خارجی خود به عربستان سعودی می‌رود" در لینک زیر مراجعه شود:

<https://www.iranintl.com/202502013535>

۲- لینک نوشته عبدالرحمن راشد در سایت کرد پرس این است:

<https://www.kurdpress.com/news>